

تجربیات زیسته دانشجویان تحصیلات تکمیلی دختر دانشگاه تبریز از ازدواج دیرهنگام (مطالعه‌ای پدیدارشناختی)

علی ایمان‌زاده^{۱*}، صدیقه محمدزاده^۲، سربیه علیپور^۳

چکیده

با تغییر سبک زندگی افراد و عوامل مؤثر بر آن، گرایش به ازدواج نکردن یا تأخیر در آن یکی از مسائل اساسی جوامع امروزی است. این امر در دانشجویان تحصیلات تکمیلی با فراوانی بیشتری مشاهده می‌شود. هدف پژوهش حاضر بررسی تجربیات زیسته دانشجویان تحصیلات تکمیلی دختر دانشگاه تبریز از ازدواج دیرهنگام است. پژوهش حاضر به روش کیفی و پدیدارشناسی و نمونه‌گیری هدفمند و از طریق مصاحبه ژرف‌نگر با ۲۲ نفر از دخترانی که هنوز ازدواج نکرده‌اند انجام گرفت. مصاحبه‌ها ضبط و به روش استرابت و کارپنتر تجزیه و تحلیل شدند. از تجربیات این افراد پنج مضمون اصلی: اقتصاد، تحصیلات، فرهنگ، فضای مجازی و عواقب و پیامدها به دست آمد که از مضامین فرعی آن‌ها می‌توان به نقش مسائل اقتصادی، باورها و سنت‌های غلط اجتماعی و گسترش فضاهای مجازی در گسترش ازدواج دیرهنگام اشاره کرد که برای این افراد پیامدهایی نظیر افسردگی، وانهادگی، اضطراب تنهایی و خودتحقیری را به دنبال داشته است. می‌توان با اتخاذ راهکارهایی مبتنی بر سبک زندگی اسلامی بر این پدیده روزافزون غالب شد.

کلیدواژگان

ازدواج دیرهنگام، پدیدارشناختی، تجربیات زیسته، دانشجویان تحصیلات تکمیلی.

aliiimanzadeh@tabrizu.ac.ir
safa_sahand@yahoo.com
aliiiman1356@gmail.com

۱. استادیار گروه تربیتی، دانشگاه تبریز
۲. کارشناسی ارشد گروه آموزش و بهسازی منابع انسانی، دانشگاه تبریز
۳. کارشناسی ارشد گروه آموزش و بهسازی منابع انسانی، دانشگاه تبریز
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۲۷

مقدمه

ازدواج الگوی اجتماعی پذیرفته‌شده‌ای است که در آن دو یا تعداد بیشتری از اشخاص، یک خانواده را پایه‌ریزی و ایجاد می‌کنند تا به حقیقت ازدواج، که رسیدن به آرامش و خوشبختی است، دست یابند [۵]. از دیدگاه جامعه‌شناسی، ازدواج قراردادی اجتماعی و ضامن بقای نسل انسانی است و آرامش و امنیت در یک جامعه نتیجه ازدواج سالم و محیط آرامش‌بخش خانواده است. از دیدگاه روان‌شناسی، ازدواج یکی از ترکیب‌های بالای روانی را دربر می‌گیرد. از نظر پزشکی، بیشترین ضایعه‌های انسانی و بیماری‌ها متوجه افراد مجرد است و سهم ازدواج در کاهش این ضایعات حائز اهمیت است. از نظر علمای اخلاق، ازدواج می‌تواند از اشاعه فساد و فحشا و رفتارهای ناپسند و عنان‌گسیختگی غرایز جنسی جلوگیری کند [۱۲].

در دهه‌های اخیر، دختران با انبوهی از پدیده‌های نوظهور، که اغلب پیامد مدرنیته و جهانی‌شدن است، مانند دستیابی به تحصیلات عالی، دگرگونی روابط میان نسل‌ها و جنسیت‌ها، ظهور فرصت‌ها و آرزوهای جدید برای انتخاب شریک زندگی، تغییرات در قوانین ازدواج و طلاق، دادن حقوق جدید به زنان، افزایش درخور ملاحظه نرخ طلاق و درنهایت ورود و مشارکت زنان در بازار کار روبه‌رو شده‌اند [۱۴] و در سایه این تحولات در دهه‌های اخیر، تغییر در الگوهای ازدواج، بی‌ربطی به ازدواج و ازدواج در سنین بالا یا ازدواج‌نکردن، به‌طور کلی، افزایش چشمگیری داشته است.

با توجه به فرهنگ دینی و سنتی حاکم بر جامعه ایرانی و ضرورت حاکمیت تفکر و سبک زندگی اسلامی، که ازدواج را به‌منزله ارزشی دینی در نظر می‌گیرد، یکی از پدیده‌هایی که به‌تازگی جامعه ایران با آن مواجه است تغییر در سن ازدواج دختران ایرانی است. نظریه‌های متفاوتی در باب ازدواج دیر هنگام ارائه شده است:

نظریه اقتصادی: این گروه از نظریه‌پردازان دگرگونی در رفتار خانواده را به کمک عوامل اقتصادی و نهادی تبیین و در وهله نخست بر تغییراتی تأکید می‌کنند که در بازار کار رخ داده‌اند [۸]. این نظریه‌ها بر این امر تأکید دارند که رفتار افراد در اجتماع تحت تأثیر عوامل و شرایط اقتصادی و الگوهای اقتصادی به‌خصوص تحلیل هزینه-فایده است [۲۹]. از نظریه‌های اقتصادی مهمی که تبیین‌هایی درخصوص افزایش سن ازدواج ارائه داده‌اند، عبارت‌اند از: نظریه هزینه فرصت، نظریه بیشینه‌سازی سود گری بکر، فرضیه جذابیت اوپنهایمر و انگاره اروپایی [۸].

نظریه جامعه‌شناختی: نظریه‌های جامعه‌شناسی به‌منزله نظریه‌های هنجاری در تحلیل افزایش سن ازدواج به تبیین تغییرات حاصله در خانواده در زمینه ارزش‌ها، خواسته‌ها و انتظارات می‌پردازند. نظریه‌پردازان این دسته از نظریه‌ها در تحلیل خود در زمینه تحول سن ازدواج بر سکولاریزاسیون، فردگرایی، اهمیت روبه‌رشد استقلال و خودمختاری و ایدئولوژی‌های جدید در رابطه با نقش‌های جنسیتی تأکید دارند. نظریه ارزش‌های فرامادی گرایبی اینگلهارت،

نظریه قابلیت دسترسی، امکان‌پذیری و مطلوبیت ازدواج دیکسون و نظریه سرمایه انسانی انگلند، فارکاس و اوپنهایمر جزء این نظریه‌ها هستند [۸]. از منظر نادینگر، که یکی از فمنیست‌های معاصر است، تعلیم و تربیت عصر حاضر عمدتاً مردگرایانه است و بی‌عدالتی در نظام‌های آموزشی رو به گسترش است. لذا زنان برای دستیابی به عدالت آموزشی باید به موانع آن، از جمله ازدواج‌های زودهنگام، غلبه کنند [۳۲]. در دیدگاه نادینگر، جامعه و محیط‌های تربیتی نباید استقلال فردی و هویت زنان را خدشه‌دار کند [۲۳].

نظریه جمعیت‌شناختی: در میان نظریه‌های جمعیت‌شناسی مرتبط با ازدواج، نظریه گذار جمعیتی دوم مهم‌ترین نظریه است. نظریه گذار جمعیتی دوم بر تأثیر هماهنگ عوامل اقتصادی و اجتماعی (به‌ویژه تضعیف کنترل هنجاری و افزایش استقلال اقتصادی زنان)، فرهنگی (سکولاریزاسیون) و فناوری مدرن (جلوگیری از حاملگی) بر افزایش سن ازدواج تأکید دارد. این عوامل، در کنار یکدیگر، ترجیحات و سلیق افراد را به سمت فردگرایی، آزادی و استقلال تغییر داده و در نتیجه باعث کاهش سن ازدواج شده‌اند. بنابراین، طبق نظریه گذار جمعیتی دوم، افزایش تصاعدی در خودمختاری فردی در زمینه‌های اخلاقی، مذهبی و سیاسی، اساس تغییرات انجام‌گرفته در تشکیل خانواده است [۸].

نظریه نوسازی: از منظر این نظریه، جوامع سنتی نیز از پیامدهای مدرنیته در امان نبوده و با ورود مدرنیته، این جوامع نیز تحت مفروضات و آموزه‌های مدرنیته واقع می‌شوند. با توجه به اینکه جامعه ایران نیز جامعه‌ای سنتی است، ورود مدرنیته بر خیلی از آموزه‌های سنتی و دینی آن، از جمله ازدواج زودهنگام و بهنگام، تأثیر منفی گذاشته است.

با توجه به اینکه نسل جوان نیروی سازنده جامعه است و سازندگی، پیشرفت و تعالی جامعه به تلاش و همت این قشر از جامعه بستگی دارد، باید کوشش کرد دغدغه‌های ذهنی و مشکلات آن‌ها برطرف شود. دانشجویان دانشگاه‌ها، به‌خصوص دانشجویان تحصیلات تکمیلی، به‌عنوان نسل جوان مشکلات متعددی دارند که یکی از مسائل مهم آنان ازدواج دیرهنگام است. همچنین، از نظر روان‌شناسی در دوره جوانی سه واقعه مهم، یعنی تحصیل، اشتغال و ازدواج، رخ می‌دهد و جوانان برای غلبه بر مشکلات در هر زمینه به راهنمایی نیاز مبرم دارند [۷].

براساس گزارش شورای عالی جوانان (۱۳۸۳)، گرایش جوانان به تشکیل خانواده به نحو چشمگیری نسبت به قبل کمتر شده است. تأخیر در ازدواج و تشکیل خانواده آثار سو فراوانی برای فرد و جامعه در پی خواهد داشت. مهم‌ترین اثر آن از نظر جمعیت‌شناختی ایجاد دگرگونی در الگوهای زاد و ولد است. کاهش فراگیر باروری در کشورهای مختلف از جمله ایران، بیشتر نتیجه ازدواج در سنین بالاتر است [۱۳]. علاوه بر این، ازدواج افراد در سنین بالاتر می‌تواند ساختار خانواده، تعامل اعضای آن با یکدیگر و الگوهای رفتاری افراد خانواده را از طریق دگرگونی در چرخه زندگی خانوادگی متأثر کند [۱۵].

با توجه به گرایش روزافزون دختران به تحصیل در مقطع آموزش عالی و تأثیر آن بر پدیده تأخیر در ازدواج، ضروری است تا در یک مطالعه علمی به واکاوی دیدگاههای افراد درگیر در موضوع پرداخته شود. البته انجام این مطالعه از دو جنبه نظری و کاربردی نیز حائز اهمیت است: از بعد نظری، به منزله یک مطالعه کیفی، می‌تواند در جهت شناخت هرچه بهتر این پدیده مؤثر باشد و از جنبه کاربردی می‌توان با شناخت عوامل مؤثر بر آن، آگاهی‌های لازم را برای از میان برداشتن موانع موجود بر سر راه ازدواج دانشجویان دختر کسب کرد.

پیشینه تحقیق

در زمینه ازدواج دیرنگام، تحقیقات چندانی انجام نگرفته است و این فقدان از لحاظ روش‌شناختی و نمونه مطالعه‌شده بیش از پیش مشهود است. تحقیقات کیفی انجام‌شده در این زمینه خیلی محدود است و نمونه مطالعه‌شده هم، که دانشجویان مؤنث تحصیلات تکمیلی است، تاکنون مورد پژوهش واقع نشده‌اند.

در تحقیقی که عباسی شوازی [۱۳] با عنوان «بررسی علل افزایش سن ازدواج دختران با تکیه بر تغییرات سبک زندگی» انجام داد، نتیجه گرفت که بین متغیرهای اشتغال دختران، بالارفتن سطح تحصیلات، فردگرایی، ازدیاد ازدواج‌های ناموفق بین اطرافیان، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، بالا رفتن سطح خواسته‌ها و انتظارات و بی‌اعتمادی اجتماعی که از مؤلفه‌های سبک زندگی‌اند و افزایش سن ازدواج دختران رابطه معناداری وجود دارد.

در تحقیقی که میری [۱۷] با عنوان «بررسی و نگرش علل کاهش ازدواج در دانشگاه در مسائل اقتصادی، نداشتن امنیت در آینده، نداشتن شناخت کامل از طرف مقابل و نداشتن تطابق فرهنگی بین دو خانواده بیان کرده است.

در مطالعات داخلی نیز، پژوهش‌ها بر نقش سطح تحصیلات بر گرایش به ازدواج زودهنگام اشاره دارد. مانند: مطالعات آبرفت [۱]، نیک‌منش و کاظمی [۲۱]، اسکندری چراتی [۳]، رفاهی و همکاران [۱۱] و میرسندسی و همکاران [۱۶].

موسوی (۱۳۸۲) به مطالعه کمی- کیفی در زمینه موانع ازدواج دختران پرداخته است. مطالعه وی نشان داد که اغلب دختران جامعه ایرانی در امر ازدواج تقریباً با موانع مشابهی (پیدانکردن فرد مناسب؛ مخالفت و سخت‌گیری خانواده با خواستگاران یا فرد مورد نظر دختر و داشتن تجربه شکست در رابطه قبلی چه به صورت عقد، نامزدی یا دوست پسر) مواجه‌اند [۲۱].

لورنس و ایکاماری [۳۱] در مطالعه خود با عنوان «تأثیر آموزش عالی بر زمان‌بندی ازدواج در کنیا» به این نتیجه دست یافتند که تحصیلات عامل افزایش سن ازدواج است.

عباس‌زاده و نیکدل [۱۴] در پژوهشی با عنوان مطالعه بسترهای زمینه‌ساز تأخیر در ازدواج

دختران با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی، زمینه‌های فردی و فرهنگی-اجتماعی را از عوامل دخیل در سن ازدواج دختران عنوان می‌کند.

شوئن و چونک^۱ (۲۰۰۶) معتقدند که انصراف از ازدواج با عواملی چون: افزایش سطح تحصیلات و میزان اشتغال زنان، تفاوت‌های جنسیتی کمتر در دریافت حقوق، نابرابری بیشتر در بین مردان و نابرابری اقتصادی میان گروه‌های نژادی مرتبط است [۳۴].

مسک دونالد هیول در ۱۹۴۴ در پژوهشی با عنوان «بررسی علل افزایش سن ازدواج» یکی از عوامل مهم و مؤثر را تحصیلات عالی زنان می‌داند که با تأخیر ازدواج همبستگی نشان می‌دهد [۲۲]. گیبسون و دیویس [۲۷] بیان می‌کنند که بخش وسیعی از «انصراف از ازدواج»، حداقل آن بخشی که در میان محرومان اقتصادی رخ می‌دهد، انصراف از ازدواج واقعی نیست. آن‌ها در مصاحبه‌ای که با تعدادی از زوج‌های دارای فرزند به عمل آوردند، سه عامل مسائل مالی، کیفیت و دوام ارتباط و ترس از طلاق را به‌منزله موانع ازدواج برشمردند. کانگهارن و مایترا [۲۶] در مطالعه خود با عنوان «اثر آموزش بر زمان ازدواج و تولد اول در پاکستان» به ارتباط میان آموزش و سن ازدواج تأکید کردند.

گودکایند [۲۸] در تحلیل الگوهای سن اولین ازدواج مردان و زنان در ویتنام اشاره می‌کند که از سال ۱۹۴۵ هنجارهای ازدواج سنتی بر اثر تغییرات اقتصادی-اجتماعی و آشفتنگی‌های وقایع سیاسی رو به ضعف نهاد. وی یکی از عوامل مهم مؤثر بر سن ازدواج را توسعه سیستم آموزش می‌پندارد.

تایلرو گلین^۲ (۱۹۷۶) نشان دادند که با بالا رفتن تحصیلات زنان، انگیزه ازدواج کاهش می‌یابد و اسپریچر و همکاران (۱۹۹۴) نیز یافته مشابهی را ذکر می‌کنند. این پژوهشگران در تبیین این یافته اظهار می‌دارند در گذشته زنان برای امرار معاش نیازمند مردان بودند. ولی با گسترش تحصیلات عالی بین زنان و برخورداری از موقعیت اقتصادی-اجتماعی، آنها وابستگی اقتصادی کمتری پیدا کردند و همین امر می‌تواند انگیزه کم زنان تحصیل کرده برای ازدواج را توجیه کند [۱۹]. ایگل و صالحی^۳ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی علل تأخیر ازدواج جوانان ایرانی» به این نتیجه رسیدند که میزان تحصیلات و سابقه کار بر سن ازدواج زنان اثرگذار است و یکی از علل تأخیر سن ازدواج برای مردان عوامل اقتصادی و بیکاری بود. در حالی که برای زنان این امر بر عکس بوده و به میزانی که زن‌ها میزان تحصیلات بالاتر یا سابقه کار بیشتر داشته باشند، یا در حال حاضر مشغول به تحصیل باشند، تأخیر بیشتری در سن ازدواج‌شان مشاهده می‌شود. این نکته نشان می‌دهد که تأخیر سن ازدواج در این دسته از زنان، نه اقتصادی، بلکه بیشتر ساختاری و به منظور دنبال کردن اهداف زندگی بوده است [۱۰].

1. Robert Schoen & Yen-Hsin Alice Cheng

2. Tyler & Galin

3. Egle, & Salehi

بررسی پژوهش‌های انجام‌گرفته نشان می‌دهد که در حالت کلی عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی و جمعیت‌شناختی از عوامل اصلی ازدواج دیرهنگام دختران است و پژوهش مستقلی در باب تجربیات زیسته دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های کشور انجام نگرفته و این امر می‌تواند ابعاد پنهان و تجربیات درونی زندگی این افراد را به روش پدیدارشناسی آشکار کند.

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، از روش کیفی پدیدارشناسی استفاده شده است. پدیدارشناسی به دنبال مطالعه پدیده‌ها و معناهای پنهان موجود در زندگی انسان‌هاست [۲۴]. هدف از تحقیق پدیدارشناسانه توصیف تجربیات زندگی به همان شکلی است که در زندگی واقع شده‌اند. استرابت و کارپنتر (۲۰۰۳) فنومنولوژی را عملی می‌دانند که هدف آن توصیف پدیده‌های خاص یا ظاهر چیزها و تجربیات زندگی است [۴]. کانون توجه پدیدارشناسی تجربیات زندگی است، زیرا این تجربیات هستند که معنای هر پدیده را برای هر فرد می‌سازند و به فرد می‌گویند که چه چیز در زندگی او و نزد وی حقیقی و واقعی است [۲]. تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش استرابت و کارپنتر (۲۰۰۳) انجام شد. روش مزبور شامل توصیف پدیده مورد نظر از سوی محقق، کنارگذاری پیش‌فرض‌های محقق، مصاحبه با شرکت‌کنندگان، قرائت توصیف‌های شرکت‌کنندگان، استخراج جوهره‌ها، پیداکردن روابط اساسی و کسب تأیید آنان، مرور متون مربوطه و انتشار یافته‌هاست [۲]. جامعه پژوهش حاضر شامل دانشجویان دختر دانشگاه تبریز است. نمونه هدفمند این تحقیق ۲۲ نفر از دانشجویان دختر است. پس از مصاحبه با دانشجویان دختر دانشگاه تبریز، داده‌ها به اشباع رسیدند؛ یعنی هیچ اطلاعات جدیدی حاصل نشد. برای نمونه‌گیری از دانشکده‌های متفاوت به شرح جدول ۱ مصاحبه به عمل آمده است. در جدول ۱ به مشخصات شرکت‌کنندگان پژوهش اشاره شده است.

در پژوهش حاضر، برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته استفاده شد و با توجه به اینکه در مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته قصد محقق نفوذ به لایه‌های عمیق ذهن مصاحبه‌شونده و کسب اطلاعات حقیقی است، سوالات دیگری هم از بطن پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان تدوین شدند. در این مطالعه، از راهنمای مصاحبه استفاده شد. مدت زمان مصاحبه‌ها از ۱۵ تا ۴۵ دقیقه به طول انجامید. مصاحبه‌ها به صورت تک‌نفری انجام پذیرفت که خود این موضوع موجب شد مصاحبه‌شونده احساس کند اطلاعات او را فرد دیگری نمی‌شنود. بنابراین، به راحتی نظر خود را پیرامون مباحث مطرح شده بیان می‌کرد. در این مطالعه، مصاحبه‌ها ضبط شدند. در ابتدای هر جلسه، مصاحبه‌گر اطلاعات دموگرافیک افرادی که هنوز ازدواج نکرده‌اند (نام و نام خانوادگی، سن، تحصیلات) را می‌پرسید و سپس در مورد چگونگی مصاحبه و اهداف پژوهش حاضر توضیح می‌داد. همچنین به شرکت‌کنندگان اطمینان داده می‌شد که متن مصاحبه کاملاً محرمانه خواهد ماند و در توصیف و تحلیل نهایی نامی از شرکت‌کنندگان برده نخواهد شد.

جدول ۱. مشخصات شرکت‌کنندگان پژوهش

شماره	سن	میزان تحصیلات
۱	۴۲	دکتری
۲	۳۲	کارشناسی ارشد
۳	۳۳	دکتری
۴	۲۵	کارشناسی ارشد
۵	۲۹	کارشناسی ارشد
۶	۳۰	کارشناسی ارشد
۷	۲۷	کارشناسی ارشد
۸	۳۲	دکتری
۹	۳۵	دکتری
۱۰	۳۰	دکتری
۱۱	۴۴	دکتری
۱۲	۳۵	کارشناسی ارشد
۱۳	۲۹	کارشناسی ارشد
۱۴	۳۰	کارشناسی ارشد
۱۵	۳۲	کارشناسی ارشد
۱۶	۲۸	دکتری
۱۷	۲۶	کارشناسی ارشد
۱۸	۲۹	دکتری
۱۹	۳۸	دکتری
۲۰	۳۴	کارشناسی ارشد
۲۱	۲۵	کارشناسی ارشد
۲۲	۳۸	دکتری

به منظور رسمی و قانونی کردن رضایت مصاحبه‌شوندگان برای شرکت در مصاحبه، از هریک از آنان یک موافقت‌نامه شفاهی اخذ شد. در عین حال که پژوهش عمیق و سؤالات نیمه‌ساختاریافته بود، سؤالات در جهت رسیدن به سؤال اصلی تدوین شدند. سؤال اصلی پژوهش از مصاحبه‌شوندگان عبارت بود از اینکه: شما به‌عنوان فردی که هنوز ازدواج نکرده‌اید چه تجربیاتی از این پدیده دارید؟ از سؤالاتی که برای رسیدن به این هدف طراحی شد، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: چه عاملی باعث شده که شما ازدواج نکرده‌اید؟ پیامدهای منفی ازدواج دیرهنگام در زندگی شخصی‌تان چه بوده است؟ سعی شد سایر پرسش‌ها در جریان مصاحبه شکل بگیرد. شایان ذکر است مصاحبه‌شوندگان آزاد بودند هر زمان که اراده کنند از مصاحبه انصراف دهند. تجزیه و تحلیل داده‌ها برای پژوهش براساس جمع‌آوری اطلاعات از طریق سؤالات و محورهای انتخاب‌شده ممکن شد. برای رعایت مراحل پژوهش پس از مصاحبه، سخنان ضبط‌شده از سوی مصاحبه‌گر به‌دقت به متن نوشتاری تبدیل شد تا مراحل کدگذاری

انجام گیرد و جملات و عبارات و نقل قول‌هایی که به درک تجربه افراد از پدیده دلالت می‌کردند، مشخص شدند. در این مرحله، ۱۰۲۵ کد شناسایی شد. در مرحله بعد، آزمون‌گر از عبارات مهم برای دسته‌بندی معانی، که به دستیابی به زیرمضمون‌ها (زیرخوشه‌ها) منجر می‌شد، استفاده کرد. این زیرمضمون‌ها نیز برای نوشتن آنچه شرکت‌کنندگان تجربه کرده‌اند در پوشش مضمون‌ها (خوشه‌ها) استفاده شد. در نهایت، مضمون‌ها در پوشش محدوده وسیع‌تری به نام حیطه قرار داده شدند. به منظور تفسیر و تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده روش استرابت و کارپتتر استفاده شد. استرابت و کارپتتر فنونولوژی را عملی می‌دانند که هدف آن توصیف پدیده‌های خاص، ظاهر چیزها و تجربیات زندگی افراد است. روش مزبور شامل توصیف پدیده مورد نظر از سوی محقق، کنارگذاری پیش‌فرض‌های محقق، مصاحبه با شرکت‌کنندگان، قرائت توصیف‌های شرکت‌کنندگان، استخراج جوهره‌ها، پیدا کردن روابط اساسی، نوشتن توصیفی از پدیده‌ها، مرور بر متون مربوطه و انتشار یافته‌هاست [۲]. جهت صحت و استحکام داده‌ها در پژوهش حاضر از چهار معیار مقبولیت، قابلیت اعتماد، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری استفاده شد. برای افزایش مقبولیت و اعتبار داده‌ها از شیوه مصاحبه فردی نیمه‌ساختاریافته استفاده شد و حداکثر تنوع در انتخاب مشارکت‌کنندگان لحاظ شد. مصاحبه‌های کدبندی مشارکت‌کنندگان به خودشان بازگردانده شد و آن‌ها کدهای انتخابی را مطابق تجربیات خودشان یافتند. همچنین از روش بازبینی هم‌تراز نیز استفاده شد و ۸۵ درصد از کدهای استخراج‌شده و مضامین پیشنهادی مورد توافق افراد بود.

یافته‌های پژوهش

از تحلیل مصاحبه‌های شرکت‌کنندگان، پنج مضمون اصلی ذیل حاصل شد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. اقتصاد

یکی از عوامل اساسی تأخیر در ازدواج جوانان ناسازگاری نیازها با شرایط محیط و ضعف در مدیریت اقتصادی جامعه است و چالش‌برانگیزترین موضوع در تبیین مسئله سن ازدواج، اثر درآمد است. نکته حائز اهمیت در این رابطه، ماهیت متغیر درآمد است. یکی از مضامین اصلی که از تحلیل مصاحبه‌ها به دست آمد، نقش اقتصاد و مسائل ناشی از آن در ازدواج زودهنگام بود. شرکت‌کنندگان عواملی همچون فقدان درآمد کافی، افزایش بیکاری، سختی تهیه مقدمات زندگی نظیر جهیزیه و برگزاری مراسم ازدواج را از مشکلات اقتصادی خود بیان کردند. فقدان درآمد کافی: یکی از عواملی که می‌تواند در ازدواج دیرهنگام دختران دخیل باشد فقدان درآمد کافی پسران است. نقل قول یکی از شرکت‌کنندگان:

خواستگاری‌های من مستقل نیستن. عقیده من بر اینه که فردی که از نظر مالی وابسته خانواده پدرش باشه، اگر به هر دلیلی حمایت از جانب خانواده شوهرم قطع بشه، این شخص چه جوری می‌تونه به خانواده رو بچرخونه (شرکت‌کننده شماره ۲۱).

یکی دیگه از شرکت‌کنندگان بیان می‌کنه:

نبودن درآمد کافی خواستگارهام مشکلیه که ازدواج من رو به تأخیر انداخته. مثلاً دو ماه پیش یه خواستگار داشتم توی کافی‌نت کار می‌کرد. اون هم تو یه مغازه اجاره‌ای که آخر ماه فقط ۳۰۰ هزار تومن از درآمدش می‌موند. نه واقعاً شما قضاوت کنید، ازدواج با کسی که همچین شرایطی داره درسته؟! (شرکت‌کننده شماره ۱۳).

بیکاری: بیکاری پسران در ازدواج‌نکردن یا تأخیر در ازدواج دختران مسئله‌ای تأثیرگذار

است. یکی از شرکت‌کنندگان در این زمینه می‌گوید:

با اینکه توی فامیلمون پسرهای بااخلاق و باایمانی هست که خواستگاری می‌آن، ولی چون بیکارن، بابام اجازه نمی‌ده ازدواج کنم. درضمن، حق با پدرمه. من چه جوری با یک شخص بیکار که حتی نمی‌تونه خرج خودش رو دربیاره ازدواج کنم (شرکت‌کننده شماره ۱۶).

شرکت‌کننده دیگر معتقد است:

اکثر خواستگاری‌هایی که دارم تحصیل کرده و بیکارن. خانواده‌هاشون که می‌آن خواستگاری، بابام می‌پرسه پسرتون شغلش چیه، درآمدش از کجاست، می‌گن راستش پسرمون تحصیلاتش تموم شده دنبال کاره توی فلان آزمون شرکت کرده. متأسفانه یک نفر می‌خواستن، پسرم رو قبول نکردن. تا زمانی که کار پیدا کنه، خرجی‌ش رو ما می‌دیم (شرکت‌کننده شماره ۷).

تهیه مقدمات اولیه زندگی: شرکت‌کنندگان در پژوهش، ناتوانی والدین در تهیه مقدمات

زندگی، از جمله جهیزیه و برگزاری مراسم اولیه ازدواج را یکی از دلایل تمایل نداشتن به ازدواج در این سنین بیان می‌کنند: نقل قول یکی از شرکت‌کنندگان بدین شرح است:

موقعی که واسه من خواستگار می‌اومد وضعیت مالی پدرم خوب نبود. پدرم با یک بهانه دیگه خواستگارهام رو رد می‌کرد. ولی دلیل اصلی‌ش این بود نمی‌تونست جهیزیه من رو تهیه کنه (شرکت‌کننده شماره ۲۲).

شرکت‌کننده دیگر نیز معتقد است:

ما سه تا خواهریم. پدرم کارگر ساختمونه. خواهر بزرگ‌ترم ۲۸ سالشه. نامزده و من ۲۵ سالمه و مجردم. برای من که خواستگار می‌آد، خانواده‌م قبول نمی‌کنن. می‌گن بذار جهاز خواهرت رو جور کنیم، اون رو بفرستیم خونه خودش، بعدش تو ازدواج کن. می‌گن ما نمی‌تونیم برای دوتا دختر هم‌زمان جهاز بخریم. اون هم با این وضع اقتصادی جامعه. اما نظر من اینه که خواستگارا منتظر نمی‌شن (شرکت‌کننده شماره ۴).

۲. تحصیلات

از آنجا که تحصیلات عالی برای دختران فقط معنای آموزشی و حرفه‌ای ندارد و یک معنای

مهم اجتماعی دارد، دختران می‌کوشند با توسل به آن موقعیت اجتماعی خود را در رابطه با خانواده و اطرافیان و جامعه ارتقا بخشند. برخی دختران آموزش را به ابزاری برای گسترش آزادی‌های فردی و تثبیت «خودمختاری» و «فردیت جدید» خود تبدیل می‌کنند. درواقع، این گروه تأخیر در ازدواج را مثبت ارزیابی می‌کنند. از منظر آن‌ها، «تأخیر در ازدواج به‌مثابه فرصت‌سازی» است و ازدواج امکان ارتقای اجتماعی آن‌ها را کاهش می‌دهد و تحقق بسیاری از آرزوهای آنان را با مشکل مواجه می‌کند. این نوع نگرش عمدتاً محصول رویکرد برابری جنسیتی و فمینیسم است. البته چنین نگرشی به ازدواج، که فقط کارکردهای منفی از ازدواج را متصور شود، از منظر پارادایم دینی و اسلامی پذیرفتنی نیست.

در رابطه با گرایش به تحصیلات بالا، که یکی از علل ازدواج دیرهنگام است، شرکت‌کنندگان به دو مضمون فرعی نقش بازدارندگی ازدواج برای ادامه تحصیل و داشتن جایگاه اجتماعی خوب شناسایی شدند که در ادامه به ذکر مضمون‌ها و نقل قول‌ها اشاره می‌شود.

نقش بازدارندگی ازدواج برای ادامه تحصیل: مهم‌ترین نیازی که پیش از ازدواج باید با محیط فرد سازگار شود وضعیت اشتغال اوست. بنابراین شغل در سن ازدواج بسیار موثر است. همان‌طور که اوپنهاایمر می‌گوید، افراد معمولاً زمانی ازدواج می‌کنند که یقین داشته باشند از عهده تأمین معاش خانواده برمی‌آیند و چون افراد نمی‌توانند تا سنین معینی مثلاً بیست تا سی سالگی درآمد کافی داشته باشند، نوع شغل اهمیت پیدا می‌کند. یکی از شرکت‌کنندگان در این زمینه می‌گوید:

من درس و تحصیل را تنها هدفم قرار داده بودم. فکر می‌کردم اگه ازدواج کنم، دیگه نمی‌تونم ادامه تحصیل بدم یا اون کار و شغل دلخواهم رو داشته باشم. برای همین ترجیح می‌دادم که ازدواج رو عقب بندازم. اصلاً به این فکر نکردم اگه ازدواج کنم، باز هم می‌تونم ادامه تحصیل بدم (شرکت‌کننده شماره ۸).

جایگاه اجتماعی: برخی شرکت‌کنندگان امید به دستیابی به منزلت و جایگاه اجتماعی بالاتر از طریق مدارج بالای تحصیلی را در ازدواج دیرهنگام خود عامل اساسی می‌دانند. نقل قول یکی از شرکت‌کنندگان بدین شرح است:

من ۳۲ سالمه. الان در آموزش و پرورش مشغول کارم. من از زمانی که دانش‌آموز مدرسه بودم، خواستگار داشتم. اما خانواده‌م به دلیل اینکه می‌خواستن من ادامه تحصیل بدم و جایگاه اجتماعی خوبی داشته باشم، به خواستگارهام پاسخ منفی می‌دادن. مامانم می‌گفت دخترم باید درس بخونه خانم دکتر یا خانم معلم بشه. الان که نگاه می‌کنم، متوجه می‌شم که بهترین خواستگارها همون‌هایی بودن که دوره کارشناسی داشتم. این روزها هم متأسفانه خواستگاری‌هایی برام پیدا می‌شن که بیش از یک دهه از من مسن‌ترن و ترجیح می‌دم مجرد بمونم تا اینکه از سر اجبار و بدون علاقه ازدواج کنم (شرکت‌کننده شماره ۸).

۳. فرهنگ

نقش خانواده‌ها در ازدواج فرزندان، شامل آماده‌سازی فرزندان برای ایفای نقش‌های جنسیتی و پذیرش مسئولیت‌های زندگی، تمهید شرایط تا حد امکان برای ازدواج، تشخیص به‌موقع نیاز فرزندان برای ازدواج، اهمیت‌دادن به همه ابعاد رشد فرزندان و محدود نکردن آن‌ها در رشد علمی و پذیرش فرد جدید به‌عنوان عضو جدیدی از خانواده و حمایت‌گری‌های بعدی است. روایت‌های مشارکت‌کنندگان در بحث گروهی حاکی از آن است که فاصله‌گیری خانواده‌ها از نقش حمایت‌گری و فقدان تصمیم به موقع والدین در مورد ازدواج فرزندان و بی‌توجهی آن‌ها به عرف معمول جامعه، زمینه بی‌رغبتی جوانان به ازدواج را افزایش می‌دهد.

از تحلیل مصاحبه‌های شرکت‌کنندگان دو مضمون فرعی سخت‌گیری بیش از حد والدین و اعتقاد به سنت‌ها و باورهای نادرست اجتماعی نظیر ازدواج دختر کوچک‌تر بعد از دختر بزرگ‌تر به‌دست آمد که در ادامه به ذکر مضمون‌ها و نقل قول‌ها اشاره می‌شود.

سخت‌گیری بیش از حد والدین: برخی از شرکت‌کنندگان فرهنگ حاکم بر خانواده و نقش حاکمیتی پدر و مادر بر تصمیم‌گیری‌های فرزندان را از عوامل ازدواج دیرهنگام عنوان می‌کنند. نقل قول یکی از شرکت‌کننده‌ها بدین شرح است:

بابای من خیلی سخت‌گیری می‌کنه. با شغل آزاد مشکل داره و مادرم هم به خاطر چشم و هم‌چشمی با فامیلمون. مثلاً مامانم می‌گه دخترعموت با دکتر ف. د ازدواج کرده، حالا تو می‌خوای من رو توی فامیل سرافکنده کنی و با یک مغازه‌دار ازدواج کنی. تو چی از دخترعموت کمتره (شرکت‌کننده شماره ۱).

شرکت‌کننده دیگر در این زمینه می‌گوید:

اکثراً آشنایی من با خواستگارهام توی دانشگاه اتفاق می‌افتاد و هرکدوم از یک نقطه کشور بودن. برای همین خانواده‌م مخالفت می‌کردن. مثلاً به یکی‌ش می‌گفتن راهش خیلی دوره، فرهنگش با فرهنگ ما فرق می‌کنه. اخیراً هم یکی بود اون هم با این بهانه که خانواده‌ش رو نمی‌شناسیم بریم جای غریب چطور تحقیق کنیم چه جور آدمی هستن، رد کردن. درکل خانواده من اجازه نمی‌دن با جای دور ازدواج کنم (شرکت‌کننده شماره ۱۰).

سنت‌های نادرست اجتماعی: شرکت‌کنندگان پژوهش برخی از سنت‌های نادرست مرسوم در اجتماع، نظیر اعتقاد به ازدواج دختر کوچک‌تر بعد از دختر بزرگ‌تر، را یکی از عوامل دخیل در ازدواج دیرهنگام قلمداد می‌کنند. نقل قول یکی از شرکت‌کنندگان:

من دختر کوچک خانواده هستم. با وجود اینکه خواستگاری‌ها با شرایط بهتر دارم، ولی براساس سنت‌های قدیمی که اول باید خواهر بزرگ‌تر ازدواج کنه بعد خواهر کوچک‌تر، به همین خاطر من مجبورم به احترام سنت‌های قدیمی منتظر بمونم تا خواهر بزرگ‌ترم ازدواج کنه. در صورتی که خواستگاری‌هایی که شرایط بهتر دارن از ازدواج با من منصرف می‌شن (شرکت‌کننده شماره ۱۲).

یکی دیگر از شرکت کنندگان نیز می گوید:

مادر و پدرم تا به خواستگار برام می اومد می گفتن که باید اول خواهر بزرگترت ازدواج کنه. چند سال از عمر من سر این چیزها تلف شد و برای همین سنم بالا رفت. حالا هم که خانوادم خیلی دغدغه ازدواج رو ندارن، میگن خودت مستقلی میخوای چهکار که ازدواج کنی (شرکت کننده شماره ۱۹).

و شرکت کننده ای دیگر می گوید:

راستش ازدواج های ناموفق در بین اطرافیانم باعث شده از ازدواج کردن بترسم. یکی ش دخترعموم با یه پسر که تاحدودی مورد اعتماد همه بود ازدواج کرد. الان دخترعموم یه بچه داره، شوهرش معتاده. زندگی ش خیلی داغونه. هر وقت من رو می بینه، می گه خوش به حالت که تنها مسئول خودتی. من با یه بچه نمی دونم چی کار کنم. ولی من اعتقادم اینه که اون حداقل تو زندگی ش یکی رو داره و در آینده بچه ش و شوهرش، ولو شوهر معتاد، همدم روزهای تنهایی ش خواهند بود (شرکت کننده شماره ۲).

۴. فضای مجازی

اینترنت در حال دگرگون کردن سیمای زندگی روزمره جوامع، به ویژه در میان قشر جوان، است. جاذبه اینترنت باعث شده بسیاری از جوانان به جای تعاملات و دوستی های رودررو به سمت دوستی ها و روابط اینترنتی کشیده شوند.

لذت طلبی ها و کامجویی های بدلی: اینترنتی شدن روابط اجتماعی در جامعه امروز ایران به طرز ناباورانه ای بیان کننده این واقعیت است که گپ و گفت ها و مرادفات دوستانه در دنیای مجازی با تغییرات اجتماعی و ساختاری در حال تبدیل شدن به فرهنگی پذیرفته شده است. به واسطه این شکل جدید از ارتباطات در جامعه ما، برخی محدودیت های فرهنگی که در گذشته در خصوص ارتباط با جنس مخالف وجود داشته از بین رفته است و افراد از فرصت و امکان بیشتری برای ارتباط با یکدیگر برخوردار شده اند. این مسئله به ویژه از طریق اینترنت و با چت کردن از طریق ایمیل، یاهو مسنجر، شبکه های اجتماعی مانند فیس بوک یا وبگاه های دوستیابی و همسریابی و تلگرام و... عمق بیشتری گرفته است. یکی از شرکت کنندگان در این زمینه می گوید:

من با یکی از هم دانشکده ای هام آشنا شده بودم. از طرز رفتارش فکر می کردم قصدش ازدواجه. وقتی حرف ازدواج رو مطرح کردم، متوجه شدم قصد اون فقط دوستیه. می گفت چرا وقتی میشه راحت با چند نفر دوست بود و لذت برد و مسئولیت نداشت، بریم و خودمون رو به یکی محدود کنیم، ازدواج کنیم، مسئولیتمون زیاد می شه (شرکت کننده شماره ۹).

یکی دیگر از شرکت کنندگان نیز می گوید:

به نظر من، یکی از عوامل اصلی عدم تمایل به ازدواج گسترش شبکه های مجازی هستن. تجربه شخصی من نشون می ده اطمینان چندانی برای پیدا کردن شریک زندگی خوب و قابل

اعتماد وجود ندارد. خیلی از افرادی که در شبکه‌های اجتماعی درخواست دوستی و ارتباط با من رو داشتن، عمدتاً افراد متأهل بودن. این امر من رو برای ازدواج واقعاً نگران می‌کنه. چه تضمینی وجود داره که شوهر آینده من نیز از این بی‌اخلاقی‌ها نکنه (شرکت‌کننده شماره ۹).

معاشرت‌های آزاد و بی بند و باری پسران و دختران: گسترش معاشرت‌های آزاد که با هدف ازدواج نیست، موجب تأثیرات منفی بیشتری در کیفیت ازدواج برای هر دو جنس، به‌خصوص دختران، می‌شود. شرکت‌کننده‌ای می‌گوید:

من در کلاس زبان با پسری آشنا شدم و در حال حاضر باهاش در تماس هستم. به من اظهار علاقه کرده و تا دو سال آینده به من قول ازدواج داده و من با اینکه خواستگارهای زیادی با شرایط خوب دارم و والدینم می‌گن چرا این خواستگارها با این شرایط خوب رو رد می‌کنی، نمی‌تونم بگم من با یک شخصی آشنا شدم و بهش علاقه‌مندم می‌خوام در آینده باهاش ازدواج کنم. من الان موندم سر دوراهی که به یکی از خواستگارها جواب مثبت بدم یا منتظر باشم اون پسری که بهش علاقه‌مندم شرایطش بهتر بشه (شرکت‌کننده شماره ۵).

شرکت‌کننده دیگری نیز می‌گوید:

من چند مورد خواستگار هم داشتم گفته چند ماهی باهم باشیم تا همدیگر رو بشناسیم. اما من می‌گم هرکاری آداب و رسومی داره و باید ازدواج سنتی و از طریق خانواده باشه. برای همین خیلی از خواستگارهام رو از دست دادم. البته هیچ پشیمون نیستم (شرکت‌کننده شماره ۱۷).

شرکت‌کننده‌ای دیگر نیز بر این اعتقاد است:

_____ من از این روشهایی که دختر و پسر باهم قول و قرار ازدواج می‌ذارن بدون اینکه با خانواده‌هاشون در میون بذارن خوشم نیامد؛ چون بیشتر مواقع خانواده‌ها مخالفت میکنن و اصل ازدواج منتفی میشه و دختر و پسر از نظر روانی بیشتر آسیب میبینن (شرکت‌کننده شماره ۱۴).

۵. عواقب و پیامدهای ازدواج دیرهنگام

در رابطه با عواقب ازدواج دیرهنگام شرکت‌کنندگان، شش مضمون فرعی اضطراب زندگی، وانهادگی، افسردگی، حالت بلاتکلیفی، از دست رفتن طراوت و زیبایی و مشکلات فرزندآوری شناسایی شد که در ادامه به ذکر مضمون‌ها و نقل قول‌ها اشاره می‌شود:

اضطراب تنهایی: اکثر مصاحبه‌شوندگان در زندگی‌شان به وجود نوعی اضطراب در زندگی خودشان اشاره کرده‌اند که از آن می‌توان به اضطراب تنهایی اشاره کرد. یکی از شرکت‌کنندگان بیان داشته:

از سن ۲۱ سالگی برام خواستگار می‌اومد، ولی وقتی برام خواستگار می‌اومد با پرس‌وجو از اعتیاد پدرم مطلع می‌شدن و از ازدواج با من منصرف می‌شدن. من خواستگارهام رو به دلیل اعتیاد پدرم از دست دادم. الان سه ساله که دیگه هیچ‌کس به خواستگاری من نمی‌آد و شدیداً از این امر ترس دارم که نکنه در آینده تنها باشم (شرکت‌کننده شماره ۲۰).

نقل قول شرکت کننده دیگر چنین است:

الان بلا تکلیف موندهم نمی‌دونم در آینده چه باید بکنم. چه برنامه‌ای برای زندگی خود باید داشته باشم. همیشه که نمی‌شه در خونه پدر و مادر زندگی کرد. حیات اون‌ها هم پایانی داره. هرچند دوست دارم همیشه پایدار باشن (شرکت کننده شماره ۱۵).

وانهادگی: از دیدگاه دانشجویان شرکت کننده این افراد عمدتاً احساس وانهادگی و تنهایی می‌کنند. وانهادگی این افراد از اختیار در تصمیم‌گیری‌شان ناشی می‌شود. یکی از شرکت کنندگان بیان می‌دارد:

چون خودم خواستگارهام رو جواب منفی بهشون دادم و همه‌شون رو به اختیار خودم رد کردم، الان هیچ مسئولیتی رو متوجه خانوادهم نمی‌دونم و خودم مسئول تصمیمات خودم هستم. احساس می‌کنم وانهاده شده‌م و باید خودم خودم رو نجات بدم (شرکت کننده شماره ۱۸).

افسردگی: اکثر مصاحبه‌شوندگان در پژوهش به وجود افسردگی و حالت افسردگی اشاره داشتند که می‌توان ریشه آن را در تأخیر در ازدواج و فدا کردن ازدواج برای ادامه تحصیل دانست. یکی از شرکت کنندگان اعتقاد دارد:

احساس می‌کنم خیلی بی‌عرضه‌م. اعتماد به نفسم کم شده. به خودم می‌گم تو واقعاً همونی که قبلاً این قدر با حوصله بودی و همه ازت تعریف می‌کردن؟! الان حتی نمی‌تونم زندگی‌م رو نگه دارم. زود حرف مردم رو به دل می‌گیرم. وقتی کسی پیش من می‌گه فلانی این قدر سن داره هنوز ازدواج نکرده، احساس می‌کنم به من تیکه می‌اندازه. شدیداً احساس افسردگی می‌کنم (شرکت کننده شماره ۱۸).

نقل قول شرکت کننده دیگر بدین شرح است:

مدتی که حالات خاصی رو پیدا کردم که قبلاً دچار اون نبودم. دچار افسردگی شده‌م. رغبت‌ها و لذت‌ها کاهش پیدا کرده و دچار بی‌حالی و بی‌خوابی و بی‌اشتهایی شده‌م. ما ازدواج با موقعیت‌های بهتر رو فدای درسی کردیم که به جز بیکاری چیزی برامون نداشت (شرکت کننده شماره ۲۱).

و نقل قول شرکت کننده دیگر که معتقد است:

من دیگه قبول کردم که دختر مجرد در این مملکت جدی گرفته نمی‌شه. براش هویت قائل نیستن. شخصیت مستقل نداره و در جمع‌های خانوادگی هم هر چقدر دانا و تحصیل کرده باشی و موفق هم باشی، باز هم جدی نمی‌گیرن و این یکی از عوامل بی‌روحیه بودن من در خوابگاه (شرکت کننده شماره ۶).

خودکم‌بینی: افراد با ازدواج‌های دیرنگام به دلیل مقایسه مداوم شرایط بدنی خود با ویژگی‌های جسمانی نوجوانی و اوایل جوانی، احساس خودکم‌بینی را در حد بالایی از خود گزارش می‌دهند. نقل قول یکی از شرکت کنندگان چنین است:

من وقتی به عکس‌های ۵-۶ سال پیش نگاه می‌کنم، واقعاً دیگه اون زیبایی و طراوت صورت من نمونده. چین و چروک صورتم زیاده شده. درکل اون جذابیت دخترونه از صورتم

رفته. دیگه کسی نمی‌آد با یک فرد پژمرده ازدواج کنه. خالهم من رو به یکی معرفی کرده هم‌سن خودم بود. قبل اینکه حضوری من رو ببینه خیلی برای ازدواج با من عجله داشت. تا اومد من رو دید، اصلاً رفت دیگه برنگشت (شرکت‌کننده شماره ۳).

مشکلات فرزندآوری: پدیده باروری روندی طبیعی در موجودات زنده است که در انسان علاوه بر جنبه‌های فیزیولوژیک، ابعاد اجتماعی و روانی نیز دارد؛ به نحوی که یکی از اهداف افراد از ازدواج و تشکیل خانواده، باروری و تولید مثل است. تولد نوزاد می‌تواند بنیان خانواده را تحکیم بخشد، نیاز عاطفی افراد را مرتفع کند و درنهایت موجب تجدید و تداوم نسل شود. یکی از شرکت‌کنندگان عنوان می‌کند:

من این‌قدر خودم رو غرق درس و تحصیل کردم و خواستگارم رو رد کردم، یه زمان متوجه شدم ۳۰ سالم شده. فرصت ازدواج کم شده. الان هم به این فکر می‌کنم ازدواج کنم، بچه‌دار نشم یا بچه من امکان داره عقب‌مونده باشه یا حوصله بازی کردن و سر و صدای اون‌ها رو نداشته باشم (شرکت‌کننده شماره ۳).

جدول ۲. مضامین اصلی و فرعی ازدواج دیرهنگام

مضمون اصلی	مضمون فرعی
اقتصاد	فقدان درآمد کافی، بیکاری، تهیه مقدمات اولیه زندگی
تحصیلات	نقش بازدارندگی ازدواج برای ادامه تحصیل، جایگاه اجتماعی
فرهنگ	سخت‌گیری بیش از حد والدین، سنت‌های نادرست
فضای مجازی	لذت‌طلبی‌ها و کامجویی‌های بدلی، معاشرت‌های آزاد و بی بند و باری پسران و دختران
پیامدها	وانهادگی، اضطراب تنهایی، افسردگی، خودکم‌بینی، مشکلات فرزندآوری

بحث و نتیجه‌گیری

به‌رغم وجود گرایش‌های فردگرایانه در انسان، جمع‌گرایی و گرایش به اجتماع‌گرایی قوی‌تر در انسان است و انسان‌ها با فعالیت‌هایی نظیر تدوین قوانین مشترک، تشکیل اجتماعات و ازدواج به تقویت این گرایش اقدام می‌کنند [۲۵]. با وجود اینکه ازدواج عملی ارادی مبتنی بر علایق طرفین است و مبنایی تاریخی در همه ادیان آسمانی دارد، کیفیت ازدواج، نحوه ازدواج، دوام آن و رضایت از آن با تغییر جوامع و نگرش‌های فلسفی حاکم بر آن ارتباطی تنگاتنگ دارد [۳۳].

امروزه، اهمیت ازدواج بر هیچ‌کس پوشیده نیست، اما متأسفانه در سال‌های اخیر این مسئله به‌منزله یکی از معضلات اجتماعی مطرح شده است. در گذشته بسیاری از دختران بلافاصله پس از سن بلوغ ازدواج می‌کردند و راهی خانه بخت می‌شدند، اما امروزه به دلایل بسیاری سن ازدواج جوانان، به‌خصوص دختران، افزایش پیدا کرده است [۱۸]. شرایط اقتصادی جامعه از جمله هزینه‌های سنگین زندگی، سخت‌گیری‌های خانواده‌ها نظیر مهریه بالا، داشتن مسکن مستقل، مراسم پرهزینه ازدواج و همچنین تغییر نگرش اجتماعی به ارتباط دختر و پسر و نیز

علاقه‌مندی دختران به تحصیلات و داشتن مدرک دانشگاهی و فراهم‌شدن بیشتر امکان حضور آنان در بازار کار موجب بالارفتن توقع آنان شده و سن ازدواجشان را به تأخیر انداخته است. طرز تفکر و تلقی از همسان‌گزینی در ازدواج موجب شده بسیاری از دختران تحصیل کرده با وجود تحصیلات عالی و موقعیت اجتماعی مناسب، از یافتن شریک زندگی خود بازمانند و با افزایش ورودی دختران به دانشگاه‌ها و بیشترشدن نسبت دختران در ترکیب جنسیتی دانشگاه‌ها، ازدواج دختران تحصیل کرده با پسران تحصیل کرده با مشکل مواجه می‌شود. دختران تحصیل کرده تمایل دارند با پسران تحصیل کرده ازدواج کنند، اما از آنجا که ورودی دختران در دانشگاه‌ها بیش از پسران است، دختران تحصیل کرده بیشتری نسبت به پسران تحصیل کرده وجود دارند و آنان با مضیقه ازدواج روبه‌رو می‌شوند که موجب محدودتر شدن دایره همسرگزینی آن‌ها می‌شود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مسائل اقتصادی، آموزشی، فرهنگی و تکنولوژیکی از عوامل مهم تأخیر در سن ازدواج دختران و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دختر است. بررسی نظریه‌های ازدواج دیر هنگام هم تقریباً با این یافته‌ها همسو است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در کنار نظریه‌های اقتصادی، جامعه‌شناختی و جمعیت‌شناختی و نوسازی می‌توان نظریه فضاهای ریزوماتیک را، که برای توسعه فضاهای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مبنایی پساساختارگرایانه دارد [۶]، اضافه کرد. فضاهای مجازی می‌تواند با تأمین فضای نامحدود و جذاب معاشرت‌های اینترنتی و ایجاد فضای لذت‌جویانه ازدواج جوانان را به تأخیر بیندازد. فضاهای مجازی و شبکه‌های اجتماعی با تغییر در الگوهای ارتباطی بین افراد، معاشرت‌های آزاد و بی بند و بار را موجب شده‌اند و افراد به دلیل روابط لذت‌جویانه مجازی ضرورتی برای ازدواج در موعد مقرر و قانونی احساس نمی‌کنند.

مسائل اقتصادی نیز از عوامل تأثیرگذار بر ازدواج دیر هنگام است. افزایش بیکاری و مشکلات ناشی از تهیه مقدمات اولیه زندگی از دیگر عوامل ازدواج دیر هنگام دختران است. طبق نظریه اقتصادی ازدواج دیر هنگام، این امر از دو جهت سلبی و ایجابی بر ازدواج دیر هنگام تأثیرگذار است. در حالت ایجابی، دانشجویان دختر تحصیلات تکمیلی برای دستیابی به مدرک تحصیلی بالاتر و به تبع آن کسب درآمد مالی بالاتر ازدواج را به تأخیر می‌اندازند. در حالت سلبی، موانع اقتصادی نظیر مشکلات تهیه مقدمات زندگی، بیکاری این افراد و فقدان درآمد مالی برای شروع زندگی از علل ازدواج دیر هنگام است. یافته‌های پژوهش‌های گودکاینند (۱۹۹۷)، ایگل و صالحی (۲۰۰۹) و گییسون و دیویس (۲۰۰۵) نیز مسائل اقتصادی را از دلایل ازدواج دیر هنگام برمی‌شمارد. مطابق یافته‌های کانگهارن و مایترا (۲۰۰۱)، اصلی‌ترین عامل تأخیر در سن ازدواج دانشجویان پاکستانی، مسائل اقتصادی و بحران‌های اقتصادی است. براساس یافته‌های این پژوهش، یکی دیگر از دلایل تأخیر در سن ازدواج، سال‌هایی است که صرف تحصیل می‌شود. عده‌ای از دختران به دلیل رسیدن به جایگاه اجتماعی بالاتر و برخی

نیز با نگرش محدودکننده بودن ازدواج برای تحصیل و ارتقای علمی از ازدواج سر باز می‌زنند. یافته‌های پژوهش‌های مک دونالد هیول (۱۹۹۴)، لورنس و ایکاماری (۲۰۰۵)، فرگوسن تایلرو گلین (۱۹۷۶)، رفاهی و همکاران (۱۳۸۹)، میرسندهی و همکاران (۱۳۹۰) و دیگران نیز بر نقش تحصیلات تکمیلی بر ازدواج‌نکردن یا تأخیر در ازدواج دختران تأکید دارند. یافته‌های پژوهش کانگهارن و مایترا (۲۰۰۱) نشان می‌دهد که بین سطح آموزش و تأخیر در سن ازدواج همسویی وجود دارد. دخترانی که زودتر ازدواج کرده‌اند و ازدواج‌های زود هنگام داشته‌اند عمدتاً دخترانی بوده‌اند که سطح تحصیلات پایین‌تری داشته‌اند. گودکایند (۱۹۹۷) نیز بر همبستگی مثبت بین سطح تحصیلات و تأخیر در ازدواج تأکید می‌کند. به تناسب افزایش تحصیلات و تخصص، علاقه‌مندی زنان جهت حضور و احراز شغل در جامعه افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، با توجه به نگرش عموم و به‌ویژه زنان، مبنی بر لزوم بالاتر بودن جایگاه شوهر نسبت به زن در خانواده، زنان شاغل زمان بیشتری برای رسیدن به هدف مذکور در انتظار برای تشکیل خانواده سپری خواهند کرد که موجب تأخیر در سن ازدواجشان می‌شود. اما باید توجه داشت که با افزایش سن افراد، به همان نسبت نیز شانس ازدواج کاهش می‌یابد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که آداب و رسوم، طبقه اجتماعی و سنت‌های اجتماعی و خانوادگی از دیگر موانع ازدواج و عامل ازدواج دیر هنگام است. شکاف نسلی بین والدین و فرزندان به‌رغم گسترش رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی کماکان وجود دارد. خیلی از موانع ازدواج یا اقدام به ازدواج زود هنگام را می‌توان در مسائل فرهنگی جامعه جست‌وجو کرد. سخت‌گیری والدین برای ازدواج فرزندان و رسوم و سنت‌های اجتماعی غلط موجود در جامعه مثل ازدواج به ترتیب فرزندان، تصمیم‌گیری والدین به جای فرزندان و ازدواج‌های صرفاً درون‌فامیلی و قبیله‌ای را می‌توان از این موانع برشمرد. پژوهش‌های موسوی (۱۳۸۲) و رفاهی و همکاران (۱۳۸۹) نیز بر نقش سنت‌های نادرست اجتماعی بر ازدواج‌های دیر هنگام تأکید دارد. عباس‌زاده و نیکدل (۱۳۹۵) نیز کلیشه‌های رایج تعریف‌کننده همسر خوب و چارچوب هنجارها را از عوامل تأخیر در ازدواج دختران برمی‌شمارند.

تجربیات روایت‌شده دانشجویان تحصیلات تکمیلی دختر بیانگر آن است که ازدواج‌نکردن در سنین پایین‌تر برای این دانشجویان پیامدهای نامطلوبی داشته است. چون این افراد عمدتاً با اراده و اختیار خود به خواستگاران‌شان پاسخ مثبت نداده‌اند و از طرف خانواده و والدین عمدتاً به تعیین سرنوشت خود از طرف خودشان محکوم‌اند و به عبارتی وانهاده شده‌اند. این امر در بروز اضطراب و افسردگی در این افراد تأثیرگذار است. این افراد در مقابل انتخاب‌هایی که داشته‌اند باید مسئول و پاسخ‌گو باشند. اضطراب اینکه شاید در آینده تنها بمانند و نتوانند زوج مناسبی را در فقدان پدر و مادر اختیار کنند یا بچه‌های سالم‌تری به دنیا بیاورند همیشه در وجودشان هست. پژوهش‌های موسوی (۱۳۸۲) و گیسون و دیویس (۲۰۰۵) نیز به برخی از

این اضطراب‌ها در این افراد اشاره دارد. از منظر گیبسون و دیویس سطح اضطراب افرادی که ازدواج‌های دیرهنگام دارند نسبت به دیگر افراد بالاتر است، زیرا این افراد عمدتاً در تصمیم‌گیری‌هایشان انفرادی عمل کرده‌اند.

اگرچه با تغییر در سبک زندگی جوامع وجود پدیده‌هایی نظیر ازدواج دیرهنگام دور از انتظار نیست، با اتخاذ تدابیری نظیر تغییر در نگرش جوامع نسبت به ازدواج، ارتقای سطح فکری و فرهنگی خانواده‌ها، بهبود وضع اقتصادی خانواده‌ها و شناخت صحیح و استفاده صحیح از فضاهای مجازی و آسیب‌شناسی آن‌ها می‌توان این پدیده را به حداقل رساند و از آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن در امان ماند.

منابع

- [۱] آبرفت، حکیمه (۱۳۸۴). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بالارفتن سن ازدواج در بین دختران شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- [۲] ادیب حاج باقری، محسن؛ پرویزی، سرور؛ صلصالی، مهوش (۱۳۹۰). *روش‌های تحقیق کیفی*، تهران: بشری.
- [۳] اسکندری چراتی، آذر (۱۳۸۷). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج در ایران با تأکید بر استان گلستان»، فصل‌نامه تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد آشتیان، س ۴، ش ۳، ص ۲۵-۱.
- [۴] امامی سیگارودی، عبدالحسین؛ دهقان نیری، ناهید؛ رهنورد، زهرا؛ سعید نوری، علی (۱۳۹۱). «روش‌شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی»، فصل‌نامه پرستاری و مامایی جامع‌نگر، دوره ۲۲، ش ۶۸، پاییز و زمستان، ص ۵۶-۶۳.
- [۵] ایمان‌زاده، علی؛ علیپور، سریه (۱۳۹۵). «تجربه زیسته زنان مرند از مشکلات ازدواج زودهنگام»، فصل‌نامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، دوره ۸، ش ۳۰، ص ۳۱-۴۶.
- [۶] ایمان‌زاده، علی؛ سجادی، سید مهدی (۱۳۸۶). «چالش‌های اساسی تربیت دینی در فضای ریزوماتیک»، فصل‌نامه علمی پژوهشی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ۳، س ۴، زمستان، ص ۱-۲۰.
- [۷] جهان‌سیر، خسرو (۱۳۸۴). «عوامل تعیین‌کننده ازدواج دانشجویی و تأثیر آن بر کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، ش ۲۳، ص ۱۱۵-۱۳۴.
- [۸] حبیب‌پور گتایی، کرم؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). «علل افزایش سن ازدواج دختران»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، ش ۱، بهار، ص ۷-۳۴.
- [۹] خجسته‌مهر، رضا؛ محمدی، علی؛ عباس‌پور، ذبیح‌الله (۱۳۹۵). «نگرش دانشجویان متأهل به ازدواج»، نشریه روان‌پرستاری، دوره ۴، ش ۲، ص ۲۰-۲۷.
- [۱۰] رضادوست، کریم؛ ممبئی، ایمان (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین تأخیر سن ازدواج و متغیرهای میزان درآمد، میزان تحصیلات و تعدادی دیگر از متغیرها در زنان شاغل»، دو فصل‌نامه مشاوره کاربردی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ۱، ش ۱، ص ۱۰۵-۱۲۲.

- [۱۱] رفاهی، ژاله و همکاران (۱۳۸۹). «بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های همسرگزینی در زنان و مردان شیرازی در دو موقعیت هنگام ازدواج و اکنون»، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، دوره ۹، ش ۳۳، ص ۱۳-۷.
- [۱۲] گرامیان، بهروز (۱۳۸۷). «خانواده ایرانی در هزاره سوم»، هفته‌نامه ارغوان، دوره ۱۶، ش ۱، ص ۲۳-۱۵.
- [۱۳] عباسی، پریسا (۱۳۹۵). «بررسی علل افزایش سن ازدواج دختران با تکیه بر تغییرات سبک زندگی»، تحقیقات جدید در علوم انسانی، س ۲، ش ۳، ص ۵۹-۳۳.
- [۱۴] عباس‌زاده، محمد؛ نیکدل، نرمین (۱۳۹۵). «مطالعه بسترهای زمینه‌ساز تأخیر در ازدواج دختران با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۸، ش ۴، ص ۵۱۶-۴۹۳.
- [۱۵] محمودیان، حسین (۱۳۸۳). «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، پایان‌نامه علوم اجتماعی، ش ۲۴، ص ۵۳-۲۷.
- [۱۶] میرسندسی، سید محمد؛ محمدی قلعه‌سفیدی، مصطفی (۱۳۹۰). «بررسی رابطه تحصیلات زنان با افزایش سن ازدواج آنها و راهکارهای پیشگیری از آن با تأکید بر رویکرد اسلامی»، فصلنامه فرهنگی دفاعی زنان و خانواده، س ۵، ش ۱۷، ص ۲۰۴-۱۷۹.
- [۱۷] میری، محمدرضا (۱۳۷۶). بررسی نگرش و علل کاهش ازدواج در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی بیرجند در سال ۱۳۷۴ / نخستین همایش کشوری نقش ازدواج در بهداشت روانی دانشجویان دولتی- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- [۱۸] محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۴). میزان/حکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: انتشارات دارالحدیث.
- [۱۹] محمدی، سعید و همکاران (۱۳۸۳). «عوامل روان‌شناختی مرتبط با مجرد جانبازان — مؤنث»، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۳، ش ۲۱، ص ۳۰۱-۲۸۸.
- [۲۰] محبی، فاطمه؛ سیاح، مونس؛ حسینی، شیماسادات (۱۳۹۵). «دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجو»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، دوره ۶، ش ۲، ص ۲۷۴-۲۵۱.
- [۲۱] نیک‌منش، زهرا؛ کاظمی، یحیی (۱۳۸۵). «علل و راه‌حل‌های تأخیر در ازدواج جوانان»، فصلنامه علوم تربیتی و روان‌شناسی (دانشگاه سیستان و بلوچستان)، ش ۵، ص ۷۷-۴۹.
- [۲۲] هیول، مک‌دونالد (۱۳۸۸). «بررسی علل افزایش سن ازدواج»، ویژه‌نامه علمی استناداری مازندران.
- [23] Addams, J., LeBar, L., & Noddings, N. (2014). *Christian Women and Their Influence on Education*. Foundations of Education: A Christian Vision, 35.
- [24] Cerbone, D. R. (2014). *Understanding phenomenology*. Routledge.
- [25] Cherlin, A. (2009). *Marriage, divorce, remarriage*. Harvard University Press.
- [26] Gangadharan, Lata & Pushkar Maitra (2001). The Effect of Education on the Timing of Marriage and First Birth in Pakistan. February.
- [27] Gibson-Davis, C. M. (2009). "Money, Marriage, And Children: Testing The Financial Expectations And Family Formation Theory", *Journal of Marriage and Family*, 71, PP 146-160.
- [28] Goodkind, D. (1997). "The Vietnamese Double Squeeze". *International Migration Review*, 31, 1, PP 108-127.

- [29] Kabeer, N. (2007). *Marriage, motherhood and masculinity in the global economy*: reconfigurations of personal and economic life. Center for Global, International and Regional Studies.
- [30] Knox, Davidw & Caroline Schacht (2005). *Choices in Relationships*, Thomson Learning. Inc. Thomson Wadsworth, 10 David Drive Belmont, CA 94002-3098 U.S.A.
- [31] Lawrence, D. &E. Ikamari (2005). The Effect of Education on the Timing of Marriage in Kenya Max-Planck-Gesellschaft.
- [32] Noddings, N. (1992). "Social studies and feminism", *Theory & Research in Social Education*, 20(3), PP 230-241.
- [33] Strong, B., & Cohen, T. F. (2013). *The marriage and family experience: Intimate relationships in a changing society*. Cengage Learning.
- [34] Strong, Bryan (2008). *The Marriage and Family Experience*. Thomson Higher Education, 10 Davids Drive, Belmont, C.A. 94002- 3098.

Archive of SID